



تابستان داغان

چه آتش است ندانم که در تنت افتاد؟
چه کرد با بر و روی تو، گرمی مرداد؟

چه جای جای تو را کرده داغ؟ تابستان
چه نام کشور داغان توست؟ «داغ آباد»

که چشم زخم زد آخر تو را که در جا سوخت
قطار و جنگل و ناو و صنایع فولاد

بریز آب و بکن خاک بر سر آتش
نزن مدام به خاکستر عذابت، باد

چه فرق می کند «ابریز» با «برایان هوک»؟
چقدر آمده و رفته اند از این افراد

قشنگ مادر تحریم های «او باما»ست
کجاست فرق «ترامپ» هویج با «جو باید»!

«ن» جانند که نشد، تازه قافیه مالید
تو خوبی آره، نهگیر اینقدر به من ایراد!

شنیده ام سگ هارت گرفته دلپیچه
که باز ریخته سس ماس داخل سالاد؟

عوض کن اسم مرا، بعد قصه «بیروت»
اگر نبود در آن رد پای از «موساد»

از این به بعد، ولی قبل ماجراجویی
به یاد آر سرانجام کشتی و پهپاد



افاخ است

کابینه رژیم صهیونیستی که از آمریکا خواسته بود تا زمانی که امارات به عادی سازی روابط با این رژیم نپردازد، واشنگتن جنگنده اف ۳۵ به این کشور نفروشد اکنون پس از عادی سازی روابط هم، اسرائیل با فروش جنگنده های اف ۳۵ به امارات مخالفت و تاکید کرده باید تنها طرفی در منطقه باشد که دارای این جنگنده های آمریکایی است.

از مزایای انحصاری و بی نظیر این جنگنده سرعت زیاد و مداومت پروازی بسیار آن است که می تواند بهترین وسیله برای فرار سریع و بموقع از سرزمین های اشغالی باشد. ولیعهد امارات ضمن اطمینان دادن به ارتش غیور آن کشور برای تحویل گرفتن اف ۳۵ گفت: قول نتانیاهاو تضمین است و قطعا افها را تحویل مان خواهد داد.

روزنامه آرمان امارات هم با تیتیر: «شکست دیوار صوتی با بنای اطمینان» به حمایت از عادی سازی روابط پرداخت. سیاستمدار معروف امارات هم با بیان «دنیای آینده دنیای اطمینان و عادی سازی روابط است نه دنیای افها و اسها و تیها و پی بیها» به نهادینه سازی گفتمان با هم خوب باشیم واف، اخ است پرداخت.

نتانیاهاو با پیش شرط اینکه ولیعهد امارات بن زاید باید مانند بن سلمان شیر بدهد تا اجازه عکس انداختن با اف ۳۵ را داشته باشد وارد مذاکره شد. بن زاید از شوق افهایی که بوی نوبی می داد و فرط خوشحالی همزمان شیر با عسل داد و توانست اجازه سلفی گرفتن با عکس جنگنده اف ۳۵ در پایگاه خبری آن در گوگل را به دست آورد.

باور تحریم

اشغالی هائیتی، حالا حالاها شوتی
از کی شده ای کشور، دومینیکن قوطی؟!
کارچاق کن یو اس آ، از هر نظر اویزان
تازه شده ای چیزی تو مایه جیبوتی!

طاهره ابراهیم نژاد

ضمیمه طنز راه راه تازی از پادشاه طنز انقلاب اسلامی

سردبیر: امین صالحی
دبیر سرویس شعر: زهرا فرقانی
دبیر سرویس کارتون: مهدی نظری
دبیر فنی: سیدمحمدجواد طاهری

راه های ارتباطی

ما را در شبکه های اجتماعی
با نشانی tanzym-ir دنبال کنید!

فدراسیون فوتبال طبق رای فیفا باید سه برابر کل مطالبات کارگران هفت تپه را به ویلموتس بدهد!

هروازهبانی چپکی!



مازیار ناظمی (رئیس سابق روابط عمومی وزارت ورزش):

برای ثبت در تاریخ، در قرارداد ویلموتس بندی قرار داده ایم که در صورت فسخ از هر طرف تنها سه ماه جریمه پرداخت شود. بزرگ ترین نقطه قوتی که در قرارداد کی روش و حتی برانکو هم وجود نداشت و دست فدراسیون و آقای تاج الان کلی بالاست



زیبا کلام:

با این وضع تنها راه چاره
اینه که به قرارداد دیگه با
ویلموتس ببندیم



سلطانی فر

(وزیر ورزش و جوانان):
ویلموتس دیگه کیه؟
مگه کی روش رفت؟



زنگنه:

عیب نداره، من خودم ۲ تا
۲ میلیارد دلار جریمه شدم
هیچیم نشد



اخبار دنیا در یکی، دو هفته اخیر

غش کردن مکرون به سمت حریری

مکرون به لبنانی ها گفت: نخست وزیرتون بیخوده، عوضش کنید! وی که با آستین بالا و سینه سپر لاتی خودش را به لبنان رسانده بود، افزود: همین حریری بچه خوبی، هم خوش تپیه، هم تابعیت فرانسه داره، هم حرف گوش کنه. آلمان نیک یک دکتر و ۳ عدد سرنگ اصل جرمانی به لبنان اعزام کرد و برای اینکه طفلکی دکتر تنها نماند، یک ناو جنگی موشک انداز به همراه پرسنل نظامی همراهش فرستاد.

ترامپ اعلام کرد: اگه رای نیارم، آمریکا همیشه ونزولا وی افزود: به خدا اگه این جمله رو از کسی یاد گرفته باشم، مال خود خودمه. بایدن، رقیب انتخاباتی ترامپ در جواب گفت: داداش نون ساقیت حلال، الانم تنها فرق ما با ونزولا اینه که نمی تونیم از ایران بنزین بخریم.

اسرائیل به امارات اخطار داد از لوس شدن پرهیز کند. گفتنی است بعد از توافق دو طرف، امارات که لوس شده بود تقاضای جنگنده اف ۳۵ از طرف مقابل کرد که با یک علامت دست مواجه شد. ضمنا قرار بود یک موزه مشترک ما بین ۲ طرف تاسیس شود که با توجه به نیم قرنی بودن تاریخ هر دو، کسی به روی خودش نیارود.

پوتین گفت: استپا وی که بر گهای شبیه اسم و فامیل را بالا گرفته بود افزود: ما اول واکسن کرونا ساختیم! آمریکا و چند کشور دیگر نیز در واکنش گفتند: ما هم ساختیم. سازمان جهانی بهداشت با اخطار به کشورها درباره زرنج بازی در این مورد اعلام کرد: فعلا کیپ کالم اند ماسکتون رو بزیند.

قطعنامه: رئیس جمهور دومینیکن گفت آخیش! وی در سوال خبرنگاران که پرسیده بودند چه مرگت شد؟ پاسخ داد: همیشه دلم می خواست تو شورا رای مثبت بدم فرصتش پیش نمی اومد، ولی بالاخره مثبت دادم. گفتنی است رای مثبت دومینیکن به قطعنامه ضد ایرانی شورای امنیت، در حد پیشکل بز هم ارزش نداشت.

کرونا در انگلیس: شبکه بی بی سی با نمایش یک تصویر گل و بلبل از لندن اعلام کرد: اوضاع در انگلیس خیلی خیطه. گفتنی است لندن بالاترین آمار مرگ و میر در اروپا بر اثر کرونا را ثبت کرده است.



عروسی کرونایی

نقل ها رو بریز اینور

عروسی پسر دایی ام به صورت لایو برگزار شد. من از این موضوع زیاد راضی نبودم. پس زحمت ۶ ماهه ام برای پیدا کردن یک لباس خفن چه می شد. حتی چند بار مادرم گفت که بیا لباس من را بپوش. البته اینکه در نهایت چیزی گیرم نیامد هم بی تاثیر نبود.

دختر دایی ام مریم به عنوان فیلم بردار کنار عروس و داماد ایستاده بود و با عروسکش بازی می کرد، و بعد از کلی سرخ و سفید شدن و همچون پیاز داغ درون تابه جلز و ولز کردن زن دایی، فقط چند عکس می گرفت و دوباره سراغ بازی خود می رفت.

شیرینی ها را در گوشه اتاق گذاشته بودند. محو در شیرینی ها و در حال انتخاب شیرینی مورد علاقه ام بودم که با صدای فریاد مادرم، تمام تصویر سازی هایم از هر چه شیرینی بود به یکباره از بین رفت. مادرم سرویس طلای روی میز عروس و داماد را دیده بود و برق از سرش پریده بود که با صدای تلفن به حالت عادی برگشت. خاله نرگس پشت خط بود. مثل اینکه او هم با دیدن سرویس طلا چشمانش برق زده بود. مامان و خاله تا آخر مراسم در دایرکت درباره سکه و عیار و وزن و... صحبت می کردند. خاله نرگس هم همان موقع عکس طلاهایش را استوری کرد. مادرم هم چند پیچ طلا فروشی را فالو کرد. بعدها با پیگیری های مادر و خاله ام متوجه شدیم به علت بالا رفتن قیمت دلار، طلا نخریده بودند و آن چیزی که ما دیدیم بدلی بود.

زن دایی ام بعد از اینکه ماسکش را به زیر چانه اش برد، نقل هایی را که بیش از ۲۰ بار ضد عفونی کرده بود به سمت هوا پرتاب کرد. در آن لحظه همچون مرغ سرکنده خود را به سمت موبایل انداختم. هنوز هم جای تیزی لبه میز را بر روی صورتم احساس می کنم. بعد از آن اتفاق مجبور شدم ادامه مراسم را با یک چشم بینم. در پایان مراسم زمان خوردن شام در حالی که به جوجه کباب روی میز عروس و داماد نگاه می کردم، نان و پنیر را برای خودم لقمه گرفتم و بعد برای آنکه مجبور نباشم جوجه کبابها را نظاره گر باشم، زن دایی ام را بلاک کردم!

در بیان احوال مصی پس از دستگیری شامهد و زم

بداهه عقاب های صورتی (بانوان راه راه)

جمشید که کارش بود، تهدید و کری خوانی
کتبسته خودش را دید، در کسوت زندانی

کپ کرده نتانیا، خل تر شده زردنبو
این قصه شد آنها را، چون داغ به پیشانی

زد بر سر خود محکم، از غصه مصی پولی
تا دید که اوضاع است، بحرانی بحرانی

توثیت زده، گفته: اصلا که نمی ترسم
البته اگر من را، تهدید نگردانی!

از ژست دروغینت، لیخند به لب داریم
خیلی جلیبی دختر! خیلی جوک و چاخانی

با لاف ز آزادی، در مهلکه افتادی
از لانه بز بیرون، از چیست که پنهانی؟

چون کرکس پرکنده، از ترس، پنهانده!
در قعر کدامین گور، ویلانی و سیلانی؟

دشمن نظرت کرده، هم کور و کرت کرده
بیچاره! خرت کرده! اسکل! تو چه می دانی؟

جمشید و زم سر خر، دیوند و تویی دلبر!
شد نوبت تو دلبر! پیش آی! دو تومانی!

آماده شده گونی، با حال خوشت چونی؟
در پنجه قانونی، آن هم به چه آسانی

آنقدر که هستی مست، خارج شده کار از دست
آنگاه به خود آیی، که در دل تهرانی

لطفا خبر مرگت! قبل از سفرت حتما
یک روز برو یک سر، تا دکه سلمانی

در قافیه ها دیدم - هر چند که بی ربط است -
احسان علیخانی، تهمینه میلانی

بی ربط که نه، شاید در خاطرمان آید
از بغض تو در زندان، احسان علیخانی

آن روز چه نزدیک است: «در شال سفیدت می
فین می کنی و در بند، حیرانی و گریانی!»

«گل» خورد ولی «زر» زدا! در بازی با ملت
بازنده بازی کیست؟ می دانم و می دانی!

این حرف مبرهن را، این پرسش روشن را
پاسخ بدهد لطفا، آقای خیابانی!

بداهه سرایان:

طاهره ابراهیم نژاد کردی، فهیمه انوری، سوده سلامت، فرشته پناهی، محدثه مطهری، سارا رضانی، فریبا رئیس، صامره حبیبی، زهرا فرقانی

